



University of Tehran Press

The relationship between climate change and human security with an emphasis on the performance of the International Law Commission

Reza Maleki¹ | Masood Raei^{2*}

1. Phd student of Public International Law, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran. Email: lawreza26@yahoo.com

2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Public International Law, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran. Email: masoudraei@yahoo.com

ARTICLE INFO

Article type:

Research Article

Article History:

Received October 01, 2023

Revised November 02, 2023

Accepted December 02, 2023

Published online 12 December 2023

Keywords:

Greenhouse gases,

Climate change,

Human security,

International security,

International Law Commission.

ABSTRACT

Increasing global awareness of the problem of climate change and its potential threats, such as internal conflicts, border disputes, migration, energy security and other scarce resources, social crises and humanitarian crises on the one hand, and the change and transformation of the concept of international security and conceptual transfer from the global dimension to the individual dimension after the end of the Cold War, on the other hand, it has led to a direct connection between climate change and human security. On the other hand, the interrelationship of people's security in different parts of the world and the necessity of collective action to guarantee it has led to the transformation of human security as a common concern in the face of important threats such as climate change that have a cross-border nature. In this article, we have tried to analyze the relationship between climate change and human security with the descriptive-analytical method, while examining the regular basis of climate change prevention and concepts related to human security, and we come to the conclusion that the effects of water changes and air is not limited to environmental categories and has brought forward the connection of these changes with international peace and security and as a result human security, which requires the intervention and confrontation of the international law system, especially the International Law Commission, whose task is to develop and it is responsible for compiling international law, it reveals.

Cite this article: Maleki, R. & Raei, M. (2023). The relationship between climate change and human security with an emphasis on the performance of the International Law Commission. *ECO HYDROLOGY*.10 (3), 461-477. Doi: doi.org/10.22059/ije.2024.370976.1787



© Reza Maleki, Masood Raei **Publisher:** University of Tehran Press.
DOI: <http://doi.org/10.22059/ije.2024.370976.1787>



ارتباط تغییرات آب‌وهوایی با امنیت انسانی با تأکید بر عملکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل

رضا ملکی^۱ | مسعود راعی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. رایانامه: lawreza26@yahoo.com
 ۲. نویسندهٔ مسئول، دانشیار گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. رایانامه: masoudraei@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۲۱

کلیدواژه:

گازهای گلخانه‌ای،

تغییرات آب‌وهوایی،

امنیت انسانی،

امنیت بین‌المللی،

کمیسیون حقوق بین‌الملل.

افزایش آگاهی جهانیان نسبت به مشکل تغییرات آب‌وهوایی و تهدیدهای بالقوهٔ آن مانند درگیری‌های داخلی، اختلاف‌های مرزی، مهاجرت، امنیت انرژی و دیگر منابع کمیاب، بحران‌های اجتماعی و بحران‌های بشردوستانه از یک طرف و تغییر و تحول مفهوم امنیت بین‌المللی و انتقال مفهومی آن از بُعد جهانی به بُعد فردی بعد از پایان جنگ سرد از طرف دیگر، به ارتباط مستقیم تغییرات آب‌وهوایی و امنیت انسانی منجر شده است. از طرفی، ارتباط متقابل امنیت افراد در نقاط مختلف جهان و ضرورت عمل دسته‌جمعی برای تضمین آن، به تبدیل امنیت انسانی به عنوان دغدغهٔ مشترک در مقابل تهدیدهای مهمی همچون تغییرات آب‌وهوایی که ویژگی فرامرزی دارند، منجر شده است. در این نوشتار سعی شده با روش توصیفی - تحلیلی ضمن بررسی مبانی قاعده‌مندی جلوگیری از تغییرات آب‌وهوایی و مفاهیم مرتبط به امنیت انسانی، به بررسی ارتباط تغییرات آب‌وهوایی و امنیت انسانی با یکدیگر پرداخته و به این نتیجه می‌رسیم که آثار تغییرات آب‌وهوایی به مقوله‌های زیست‌محیطی محدود نمانده و ارتباط این تغییرات با صلح و امنیت بین‌المللی و در نتیجه امنیت انسانی را به پیش کشیده است که نیاز به دخالت و روبرویی نظام حقوق بین‌الملل به‌خصوص کمیسیون حقوق بین‌الملل، که وظیفهٔ توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل را به عهده دارد، آشکار می‌سازد.

استناد: ملکی، رضا و راعی، مسعود (۱۴۰۲). ارتباط تغییرات آب‌وهوایی با امنیت انسانی با تأکید بر عملکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل. *آب و هیدرولوژی*، ۱۰ (۳) ۴۶۱-۴۷۷.
 DOI: <http://doi.org/10.22059/ije.2024.370976.1787>

© رضا ملکی، مسعود راعی. ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <http://doi.org/10.22059/ije.2024.370976.1787>



مقدمه

بررسی مؤلفه‌های مختلف امنیتی نشان‌دهنده این واقعیت است که حوزه شمول تهدیدهای امنیتی از تهدیدهای نظامی و سیاسی به سایر ابعاد از جمله تهدیدهای اجتماعی و اقتصادی و زیست‌محیطی نیز تسری یافته است. همچنین شاهد تغییر در مرجع مورد تهدید امنیتی از دولت به فرد هستیم و امنیت فردی در معرض خطر جدی‌تری قرار گرفته است. حقوق بین‌الملل به طور سنتی به تنظیم و کنترل روابط میان دولت‌ها می‌پردازد. با این حال، تحولات اخیر به این سمت در حرکت است که فرد را به عنوان ذی‌نفع اصلی و نهایی حقوق بین‌الملل محسوب کنند. از این‌رو، رهیافت انسان‌محور در برخی زمینه‌های حقوق بین‌الملل قابل ملاحظه است. همچنین نهادها و نرم‌های حقوق بشر که در حقوق بین‌الملل توسعه یافته است، برای آن بوده که از حقوق افراد انسانی حمایت کند و مرکز ثقل حقوق بین‌الملل را از حمایت از دولت‌ها به حمایت از افراد تغییر دهد و تغییرات کیفی در تمامی اجزای حقوق بین‌الملل ایجاد کند [۱]. لذا امروزه اهمیت امنیت انسانی بر کسی پوشیده نیست. از طرفی، در دهه‌های اخیر فعالیت‌هایی در سطح جهان صورت گرفته است تا با پدیده تغییرات آب‌وهوایی زمین و پیامدهای نامطلوب آن مقابله شود؛ به این دلیل که تغییرات نامطلوب آب‌وهوایی چالشی برای همه بشریت و نسل آینده است و علاوه بر تأثیرات جدی زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی، تهدیدی جدی علیه سلامت عمومی و صلح و امنیت انسانی است. همچنین تغییرات نامطلوب اقلیمی با اثرات آن مانند مهاجرت، کمبود مواد غذایی، آب آشامیدنی، بروز مخاصمات مسلحانه طیف وسیعی از حقوق بشر به رسمیت شناخته شده در سطح جهانی، مانند حق نسبت به غذا، حق نسبت به مسکن کافی، حق نسبت به آب و در واقع حق حیات را در معرض تهدید مستقیم قرار می‌دهد. به علاوه تغییرات نامطلوب اقلیمی حق نسبت به کار و نیز حقوق مربوط به معیشت و فرهنگ و مهاجرت و اسکان مجدد، حقوق زنان و کودکان، و حقوق مردمان بومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا امروزه تغییرات آب‌وهوایی نه تنها به عنوان یک چالش زیست‌محیطی تلقی شود، بلکه به یکی از مسائل مبرم و مهم سیاسی و امنیتی زمان حاضر محسوب شود، به طوری که اثرات تغییرات آب‌وهوایی، مانند تعداد دفعات زیاد بلایای طبیعی، تغییرات طولانی‌مدت در میزان بارش و دما، سفید شدن مرجان‌ها، افزایش سطح دریاها، می‌تواند با عوامل دیگری ترکیب شود تا خطر شیوع یا مدت و شدت درگیری‌های خشونت‌آمیز را افزایش دهد. بنابراین تأثیر تغییرات آب‌وهوایی امروزه بر موضوع امنیت انسانی و صلح و امنیت بین‌المللی انکارناپذیر است که ضرورت مطالعه و بررسی بیشتر در این باره را ایجاب می‌کند.

مبانی قاعده‌مندی جلوگیری از تغییرات آب‌وهوایی

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، استفاده بشریت از محیط زیست طبیعی و بهره‌مندی از مواهب خدادادی آن اگر چه تاریخی بس طولانی دارد و سالیان متمادی است که انسان از طبیعت به عنوان ابزار و بستر توسعه، استفاده کرده است، اما متأسفانه توسعه بی‌مهار و افسارگسیخته پس از انقلاب صنعتی چنان آثار مخربی بر کره زمین باقی گذاشت که با یک دید خوشبینانه قرن‌ها زمان لازم است تا برخی از آن‌ها جبران شود. بسیاری از روش‌های کنونی استفاده و بهره‌برداری از محیط زیست طبیعی، تهدیدی جدی در جهت تغییر اکوسیستم، زندگی گونه‌های مختلف موجودات و در نهایت زندگی خود نوع بشر است. به این معنا که گسترش صنایع موجب هجوم روزافزون بشر به منابع سطح‌الارضی و تحت‌الارضی شد. بهره‌برداری‌های بی‌رویه و بدون نظارت و کنترل حساب‌شده موجب تخریب‌ها و ویرانی‌های برگشت‌ناپذیر در محیط زیست شد [۲].

مصرف روزافزون منابع تجدیدناپذیر انرژی همچون نفت، گاز و زغال سنگ، قطع بدون برنامه درختان جنگل‌ها، آب شدن یخ‌های قطبی، افزایش گرمایش زمین، تخریب لایه ازن و ده‌ها معضل دیگر، همه محصول گسترش غول‌آسای تکنولوژی مدرن هستند که حیات کره زمین را در آستانه تهدید جدی قرار داد. افزایش سریع جمعیت کره زمین به نوبه خود منجر به تهی‌سازی بیش از پیش منابع شد و این امر به نوبه خود بر کیفیت محیط زیست انسانی و طبیعی تأثیر نهاد. الگوهای مصرف بی‌رویه و ایجاد نیازهای کاذب نیز به نوبه خود نابودی منابع و تخریب محیط زیست را به همراه داشت [۳]. اما در این میان، از بارزترین مشکلات، مشکلات مربوط به تغییرات آب‌وهوایی بود که در سال‌های اخیر در صدر مشکلات جهان قرار گرفت. درحقیقت، استفاده بیش از حد از سوخت‌های فسیلی، تغییر کاربری اراضی و افزایش جمعیت جهان و به دنبال آن گسترش روزافزون

فعالیت‌های صنعتی برای تأمین رفاه و نیازهای جمعیت کره زمین، موجب شد تا پس از انقلاب صنعتی به تدریج تغییرات مشهودی در اقلیم کره زمین به وجود آید که در سال‌های اخیر به دغدغه اقلیم‌شناسان و سران کشورهای جهان تبدیل شده است [۴]. در حقیقت، انقلاب صنعتی، رشد رو به تزاید استفاده از سوخت‌های فسیلی توسط بشر و جنگل‌زدایی، یکی دیگر از معضلات محیط زیستی پدیدار شد. فعالیت‌های صنعتی دولت‌ها از دوران پس از انقلاب صنعتی، به ازدیاد تراکم گازهای گلخانه‌ای در هواسپهر منجر شده و این پدیده به تدریج سبب گرم‌تر شدن کره زمین شده است. دولت‌های صنعتی آن‌چنان مسحور و مقهور پیشرفت‌های تکنولوژیکی خود شده‌اند که گویی این نکته را به ورطه فراموشی سپرده‌اند که عملکرد مخرب آن‌ها کره زمین را قربانی خواهد کرد. تغییرات آب‌وهوایی و گرمایش زمین آثار و عواقب مهیبی را برای انسان‌ها به دنبال دارد. ذوب شدن یخچال‌ها، افزایش سطح آب دریاها و اقیانوس‌ها، خشکسالی، توفان‌های سهمگین و شیوع بیماری‌های مسری، فقط گوشه‌ای از مشکلاتی است که تغییرات آب‌وهوایی به آن‌ها دامن خواهد زد [۵].

این امر، جامعه بین‌المللی را به واکنش سریع در برابر این پدیده وادار کرده به نحوی که ذهن محققان و جوامع را به خود مشغول کرد، زیرا وقوع تغییرات آب‌وهوایی حتی به صورت جزئی بر تمام ارکان زندگی بشری و حیات طبیعی اثرات قابل توجهی می‌گذارد [۶]، چرا که زندگی انسان‌ها نیاز به شرایط آب‌وهوایی نسبتاً ثابتی دارد. لذا در حال حاضر این حقیقت که بشر وضعیت جو زمین را تغییر می‌دهد، به وضوح روشن شده و این پدیده انگیزه و محور فعالیت‌های گسترده در سطح کشورها و نیز سازمان ملل متحد شده است. علت اصلی این امر، رشد بی‌رویه جمعیت و به دنبال آن، نیاز به فناوری و در نتیجه، افزایش تقاضای جامعه جهانی برای حامل‌های انرژی است. هم‌اکنون قسمت اعظم این انرژی بر سوخت‌های فسیلی متکی است و چنانچه همین روند در افزایش میزان تقاضا و مصرف انرژی ادامه یابد، در چند دهه آینده تغییرات اقلیمی شدیدی (به صورت گرمایش جهانی) به وقوع خواهد پیوست. با این تفاسیر چاره‌ای نیست جز اینکه تمامی سازمان‌ها و ارگان‌ها از جمله سازمان ملل متحد، سازمان‌های جهانی محیط زیست و هواشناسی، ارگان‌هایی که در زمینه محیط زیست و تغییر اقلیم فعالیت می‌کنند در راستای جلوگیری از این پدیده گریبان‌گیر اقداماتی انجام دهند [۷]. همین نگرانی‌ها کشورهای جهان را بر آن داشت تا با همکاری یکدیگر اقدام به تنظیم قواعد و مقررات بین‌المللی در قالب‌های مختلف اعلامیه، معاهده، اعم از جهانی و منطقه‌ای و دیگر اسناد بین‌المللی در راستای جلوگیری از تغییرات آب‌وهوایی و یا کاهش اثرات ناشی از آن بکنند.

مفهوم امنیت؛ از امنیت ملی تا امنیت انسانی

بعد از پایان جنگ جهانی دوم و کاهش بعد نظامی امنیت ملی، محققان مطالعات استراتژیک و امنیت ملی کوشیدند که با وسعت دادن به مفهوم امنیت ملی ابعاد جدیدی برای آن قائل شوند. از جمله این محققان باری بوزان نظریه‌پرداز مشهور مکتب مطالعاتی کپنهاگ بود. پارادایم مطرح کرد که هم جایی برای امنیت اجتماعی و هم امنیت زیست‌محیطی گشوده شد. در این میان، توجه به امنیت زیست‌محیطی حائز اهمیت بیشتری بود، البته مسئله نسبت محیط زیست و توسعه و مفهوم توسعه پایدار، نکته‌ای بود که از چند دهه قبل هم به آن توجه شده بود، اما پس از جنگ و مبحث جهانی شدن و به تبع آن، آگاهی از اینکه فقط یک سیاره بیشتر برای حیات بشر وجود ندارد، دیدگاه‌های فراوانی در این خصوص طرح و نسبت محیط زیست و توسعه پایدار و همین‌طور ارتباط بین محیط زیست و امنیت مورد توجه قرار گرفت [۸].

مفهوم امنیت انسانی اولین بار در گزارش کمیسیون مستقل مسائل امنیتی خلع سلاح (کمیسیون پالمه) پیدا کرد که در سال ۱۹۸۲ ارائه شد. بعد از حدود یک دهه برنامه توسعه ملل متحد در گزارش خود ایده‌های ملحوظ در این گزارش را مورد توجه قرار داد. برنامه توسعه ملل متحد در گزارش خود در سال ۱۹۹۳ تأکید کرد که فرد انسانی باید در بین و بطن امور بین‌المللی قرار بگیرد. در گزارش یونیدپ در سال ۱۹۹۴ تلاش شد تا مفهوم امنیت انسانی را گسترش و آن را به حوزه‌های مختلف دهد. از این‌رو با انتقاد از استفاده انحصاری این واژه در امور نظامی، به ۷ مؤلفه اشاره شد که از مفهوم آن استنباط می‌شود: ۱) امنیت اقتصادی که از آن به رهایی از فرد تعبیر می‌شود؛ ۲) امنیت غذایی که به مفهوم دسترسی به غذاست؛ ۳) امنیت بهداشتی که حوزه دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و حمایت از بیماران را شامل می‌شود؛ ۴) امنیت زیست‌محیطی که دربرگیرنده حفاظت از

محیط زیست و حمایت از آن در برابر آلودگی‌هاست؛ ۵) امنیت شخصی که حمایت فیزیکی در برابر شکنجه، جنگ و حمایت جنایی است؛ ۶) امنیت اجتماعی که در جهت ابقای فرهنگ‌های سنتی می‌کوشد؛ ۷) امنیت سیاسی که آزادی و رهایی از سرکوب سیاسی را شامل می‌شود [۹].

برنامه عمران ملل متحد در گزارش خود در سال ۱۹۹۴ فصلی را به امنیت انسانی اختصاص داد. این گزارش مدعی آن بود که بعد از جنگ سرد ما نیاز داریم که مفهوم امنیت انسانی را بسط و گسترش دهیم، زیرا که به نظر تدوین‌کنندگان این گزارش باید بر نگرانی‌های زندگی روزمره افراد و نه بر تهدیدهایی تمرکز کنیم که مربوط به حوادث عظیم جهانی هستند. در این گزارش برای مفهوم امنیت انسانی چهار خصیصه اصلی برشمردند: امنیت انسانی دغدغه‌ای است جهانی که به هر شخص در هر جایی مربوط است. عناصر آن چنان به هم پیوسته‌اند که تهدید به آن در یک قسمت از جهان سایر قسمت‌های عالم را نیز متأثر می‌سازد. پیشگیری قبلی از تهدید امنیت انسانی از مداخله بعدی برای برقرار ساختن آن آسان‌تر است. امنیت انسانی فردمحور است [۹].

براساس این گزارش، معضل و مفهوم امنیت تغییر ماهیت داده است. برای اکثر مردم، احساس ناامنی غالباً از نگرانی برای زندگی روزمره پدید می‌آید تا از ترس برای یک فاجعه جهانی. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مفهوم امنیت بسط یافته و از نگرانی انحصاری برای امنیت دولت به نگرانی برای امنیت کل جمعیت گذر کرده است. با این تحول، این فکر پدید آمده که دولت نباید تنها موضوع یا موضوع اصلی امنیت باشد، بلکه نفع شهروندان و منافع کل بشریت باید موضوع اصلی امنیت باشد. به این ترتیب، امنیت به شرطی فراگیر تبدیل می‌شود که شهروندان در سایه آن در آزادی، سر و آسایش زندگی می‌کند، به طور کامل در روند حکمرانی مشارکت دارند و حقوق اساسی آن‌ها مورد حمایت قرار می‌گیرد و به منابع و خدمات مورد نیاز اولیه خود، به‌ویژه بهداشت و آموزش دسترسی دارند و در محیط زندگی می‌کنند که برای سلامتی و بهزیستی آن‌ها مضر نیست. در همین راستا دبیرکل در گزارش ۲۱ مارس ۲۰۰۵ خود متوجه این واقعیت کند که تأمین امنیت بدون پیشبرد توسعه و احترام به حقوق بشر میسر نیست [۱۰].

این تفسیر از امنیت انسانی، امنیت مردم را جایگزین امنیت دولت نمی‌کند، که برعکس در آن دو جنبه‌های وابسته به یکدیگر را می‌بینید. امنیت انسانی و امنیت دولت دو مفهوم است که متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. بدون امنیت انسانی، امنیت دولت قابل تضمین نیست (نگاهی به وضعیت در آفریقا و اشاعه جنگ‌های داخلی در این قاره برای درک این واقعیت کافی است). امنیت در روابط میان دولت‌ها، همچنان شرط ضروری امنیت مردم است، اما امنیت ملی برای تضمین امنیت مردم کافی نیست. برای این منظور، دولت باید حمایت‌های گوناگونی را به شهروندان خود عرضه بدارد. علاوه بر آن، فرد باید در برابر قدرت خودسرانه دولت، از طریق تضمین احترام به حقوق مدنی و سیاسی و نیز حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است به موجب قانون حمایت شود. پس دولت همچنان مسئول اصلی تأمین امنیت است. با این وجود، در مواردی قادر به انجام این تعهد نیست و حتی گاه خود منشأ تهدیدها برای مردم کشور است. به این دلیل است که در حال حاضر ضرورت گذر از امنیت دولت به امنیت شهروندان یا امنیت انسانی، مطرح شده است. به این ترتیب دولت مسئولیت حمایت از شهروندان را به عهده دارد، مسئولیتی همخوان با تعهدات حقوق بشری دولت. با این تعبیر مفهوم امنیت انسانی به دنبال آن است که مشکلات مربوط به توسعه و سوءاستفاده از حقوق بشر را نه از منظر دولت بلکه از چشم‌انداز فرد نشان دهد. بر این اساس، فرد به محور اصلی رژیم جهانی حقوق بشر تحت پارادایم امنیت انسانی تبدیل می‌شود [۹].

تأثیر متقابل تغییرات آب‌وهوایی و امنیت انسانی بر یکدیگر

پس از پایان جنگ سرد روابط بین‌الملل دچار تحول شد و اشکال سنتی جنگ دولت‌ها با یکدیگر جای خود را به شمار فزاینده‌ای از جنگ‌های داخلی و قومی داد که در این راستا مفهوم صلح و حفظ صلح نیز از این تحولات مصون نمانده و حفظ صلح سازمان ملل در جهان که عمدتاً جنبه نظامی داشت، پس از جنگ سرد ابعاد سیاسی و حقوق بشری به خود گرفت. لذا امروزه تلاش برای مهار درگیری‌های داخلی و کمک به حل مناقشات منطقه‌ای باعث تحول مفهوم صلح شده است و در این راستا هر جریانی که در مقابل اهداف حفظ صلح قرار گیرد، با ممانعت جدی جامعه جهانی مواجه می‌شود [۱۱]. در همین راستا مشاهده می‌شود که

پیشرفت‌های اقتصادی و تکنولوژی، مسائل زیست‌محیطی و بی‌ثباتی، افزایش فقر و پناهندگان، سایر تهدیدها را که ماهیت غیرنظامی دارند، به وجود آورده است. به این ترتیب جامعه بین‌المللی بیشتر بر این امر واقف شد که نبود جنگ و مخاصمان نظامی میان دولت‌ها به خودی خود، صلح و امنیت بین‌المللی را تضمین نمی‌کند و منابع غیرنظامی بی‌ثباتی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و بشردوستانه تبدیل به تهدیدهایی علیه صلح شده‌اند. یکی از این منابع غیرنظامی تغییرات آب‌وهوایی است که دارای پیامدهای گوناگون در حال افزایش است و بیشترین تأثیرات منفی آن روی مردم فقیر و حاشیه‌ای اطراف جهان است. این وضعیت نابرابری‌های بشری موجود را بیشتر و آسیب‌پذیرتر ساخته است، چرا که این جوامع به دلیل فقر، کمتر قادر به انطباق با وضعیت موجود هستند.

همان‌طور که می‌دانیم، محیط زیست از ارکان توسعه پایدار کشورها است. بدون توجه به مسائل محیط زیست، منابع طبیعی و انسانی دچار نقصان شده و پیامدهای ناگواری را بر کره خاکی و حتی جوامع انسانی خواهد گذاشت. قرن بیستم قرن سرشار از تحولات سریع در محیط زیست جهان بوده است. اثرگذاری انسان بر طبیعت اطرافش به جایی رسیده که دارای ماهیت و اهمیت جهانی شده و متأسفانه این تأثیرات از سرعت سرسام‌آوری نیز برخوردار شده است.

اما تحولات زیست‌محیطی زاینده فعالیت‌های بشری، اگرچه از دیرباز آغاز شده، اما هیچ‌گاه به اندازه چند سال گذشته مورد توجه نبوده و موجبات نگرانی‌های مجامع بین‌المللی را فراهم نکرده است، به طوری که با گذشت زمان و ایجاد تغییراتی در توقعات و نیازهای انسان، متغیرهای جدیدی برای تعریف امنیت وارد عرصه می‌شوند. برای مثال امروزه پدیده‌هایی همچون تغییرات آب‌وهوایی که تأثیرات قابل توجهی بر سیستم‌های اکولوژیکی و اجتماعی دارد، از مهم‌ترین عوامل برهم‌زننده امنیت بشر تلقی می‌شود. پیشرفت فناوری و دستیابی انسان به زندگی مدرن و پیشرفته امروزی به قیمت از بین رفتن و تخریب بسیاری از منابع طبیعی و انقراض نسل تعداد زیادی از گیاهان و جانوران تمام شده که به نوبه خود هر یک از عوامل باعث تغییرات آب‌وهوایی شده است. در هر حال امروزه اغلب مسائل و تنگناهای زیست‌محیطی ناشی از تغییرات آب‌وهوایی دیگر به عنوان یک موضوع محلی و یا حتی ملی به شمار نمی‌آید و با توجه به وابستگی متقابل و غیر قابل تفکیک محیط زیست با مباحث کلان انسانی از جمله اقتصاد، فرهنگ، توسعه، سیاست و به‌ویژه نوع خاص آن یعنی امنیت، بسیاری دیگر از جنبه‌های مادی و معنوی حیات انسان‌ها، در واقع هر مشکل زیست‌محیطی در هر اندازه و حتی محدود در داخل مرزهای قراردادی یک کشور مشکلی برای کل جهان و نوع بشر به شمار می‌آید [۱۲]. همه این عوامل باعث شده است که مسئله تغییرات آب‌وهوا و امنیت انسانی بیشتر در هم تنیده شوند، زیرا پیامدهای تغییرات آب‌وهوا باعث افزایش تهدیدها علیه امنیت انسانی شده است. لذا امروزه تأمین صلح و امنیت، عدالت و توسعه بدون تأمین نیازهای اولیه انسانی، فقرزدایی و تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میسر نیست [۱۳].

به طور کلی، تغییرات آب‌وهوایی تأثیرات قابل توجهی بر سیستم‌های اکولوژیکی و اجتماعی دارد. خطرات به گونه‌ای است که هدف کنوانسیون ساختاری ملل متحد درباره تغییرات اقلیم، جلوگیری از مداخله خطرناک در سیستم اقلیمی است و چنین تأثیراتی به عنوان تهدیدی علیه امنیت تعریف شده‌اند. نظرات درباره اینکه تغییرات آب‌وهوایی چگونه می‌تواند خطر منازعات خشونت‌آمیز را افزایش دهد وجود دارد. در حقیقت، از دو طریق ممکن است که اختلافات به وجود آید. اول، ممکن است اختلاف‌ها از طریق تغییرات در اقتصاد سیاسی منابع انرژی به دلیل اقدامات تطبیق برای کاهش انتشار ناشی از سوخت‌های فسیلی ایجاد شوند. مسئله دوم، این دیدگاه است که اختلاف‌ها از تغییرات در سیستم‌های اجتماعی ناشی از تأثیرات اقلیمی تحریک و برانگیخته می‌شوند. تغییرات آب‌وهوایی با کاهش کیفیت و کاهش دسترسی به منابع طبیعی که برای حفظ زندگی و معیشت افراد اهمیت دارد ممکن است به امنیت انسانی آسیب وارد کند. دوم اینکه انواع امنیت انسانی که تغییرات آب‌وهوایی ممکن است بر آن تأثیر بگذارد، در مقابل می‌تواند خطر اختلاف خشونت‌آمیز را افزایش دهد. تغییرات آب‌وهوایی ممکن ظرفیت دولت‌ها برای اقدام درباره روش‌هایی که صلح و امنیت انسانی را ارتقا می‌بخشند، آسیب بزند [۱۴].

یکی از شعارهای اصلی برنامه توسعه ملل متحد این است که امنیت را باید در توسعه جست‌وجو کرد نه در سلاح. با تدقین در ریشه‌ها و انگیزه‌های همه درگیری‌ها و منازعات می‌توان به یک نقطه اشتراک در آن‌ها رسید و آن این واقعیت مشترک است که تمام این کشمکش‌ها و منازعات در واقع برای به دست آوردن و استفاده از امکانات گوناگون حیات است. این درگیری و

کشمکش‌ها زمانی به اوج خود می‌رسد که امکانات حیات در جهان محدود شده باشد و این در حالی است که محدودیت منابع آب و غذا از تأثیرات اولیه تغییرات اقلیمی است [۱۵].

در قطعنامه شماره ۵۴۰ شورای امنیت مورخ ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳ در بند ۵ دربارهٔ حمله به نفتکش‌ها در خلیج فارس، شورا از دو طرف می‌خواهد از انجام هر اقدامی که صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین محیط زیست منطقهٔ خلیج فارس را در معرض خطر قرار دهد، خودداری کنند. در این قطعنامه شورای امنیت به خطر افتادن محیط زیست را در کنار به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی قرار داده است. اعلامیه ریو (۱۹۹۲) نیز در اصل ۲۵ به‌صراحت به رابطهٔ متقابل بین صلح و حفظ محیط زیست اشاره می‌کند: صلح، توسعه و حفاظت از محیط زیست وابستگی متقابل داشته و نمی‌توان آن‌ها را از یکدیگر جدا کرد. همچنین در گزارش دفتر کمیسر عالی ملل متحد برای حقوق بشر دربارهٔ ارتباط بین تغییرات اقلیمی و حقوق بشر مورخ ۲۰۰۹، که در دهمین جلسهٔ شورای حقوق بشر منتشر شد، پاراگراف‌های ۶۱ و ۶۳ به خطرات امنیت و اختلافات می‌پردازد: گزارش‌ها و مطالعات اخیر تغییرات آب‌وهوایی را به عنوان یک چالش مهم و کلیدی برای صلح و ثبات جهانی شناسایی می‌کند. براساس یک بررسی، تأثیرات تغییرات آب‌وهوایی در کنار مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی خطر بالای اختلافات خشونت‌آمیز در ۴۶ کشور که ۲/۷ میلیارد نفر ساکن آن‌ها هستند ایجاد می‌کند. این کشورها بیشتر در منطقهٔ جنوب صحرائی آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین و نیز کشورهایی به‌طور ویژه در معرض تأثیرات منفی پیش‌بینی شده تغییرات آب‌وهوایی هستند. اختلافات مرتبط با تغییرات آب‌وهوایی می‌تواند یک عامل آوارگی اجباری باشد. در چنین مواردی، علاوه بر ساختار عمومی حمایت از حقوق بشر، استانداردهای دیگر از جمله اصول راهنما برای آوارگی داخلی، حقوق بشردوستانه، حقوق بین‌الملل پناهندگی و نظام‌های حمایت فرعی و موقت برای اشخاصی که از منازعات مسلحانه می‌گریزند، نیز قابل کاربرد هستند. اختلافات خشونت‌آمیز صرف نظر از عوامل آن، تأثیرات مستقیمی بر حمایت و برخورداری از حقوق بشر دارند [۱۵].

مهم‌ترین تأثیرات و تبعات تغییر آب‌وهوا بر امنیت انسانی

در این بخش می‌خواهیم جایگاه و نقش تغییرات آب‌وهوایی دهه‌های اخیر را بر امنیت پایدار جوامع انسانی و به همان نسبت بر حقوق بشر متأثر از آن را مورد بررسی و تجزیه‌وتحلیل قرار دهیم.

ایجاد جنگ و درگیری

تغییرات آب‌وهوایی به صورت عام و خاص با ایجاد چالش‌ها و فرصت‌ها، زمینه را برای بروز تحول‌های منطقه‌ای و تشدید درگیری در مناطق متأثر از این تغییرها هموار می‌کنند و به این ترتیب در بلندمدت نظم و امنیت را در بسیاری از بخش‌های جهان با چالش مواجه می‌سازند. در حقیقت به دنبال تغییرات آب‌وهوا، ما شاهد بروز بلایای طبیعی مانند خشکسالی، سیل، زلزله، توفان و ... می‌شویم که این مشکلات منجر به تلاش برای دستیابی به منابع باقی‌مانده از یک سو و تلاش برای یافتن فرصت‌های تازه از سوی دیگر شده و در نهایت منجر به تنش‌ها، تضادها، درگیری‌ها و بحران‌های منطقه‌ای و جهانی می‌شود، اما به نظر می‌رسد نوع و شدت درگیری‌ها در مناطق مختلف یکسان نیست. پیش‌بینی می‌شود به دلیل بعضی عوامل فرهنگی، تاریخی و اقلیمی، کشورهای منطقهٔ خاورمیانه، آفریقا و آسیا، در مقایسه با کشورهای واقع در قطب شمال، تضادها و درگیری‌ها را با شدت و وسعت بیشتری تجربه خواهند کرد، زیرا پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان در این مناطق قرار دارند و همواره شکاف میان تقاضا و منابع، عامل مهمی در بروز نارضایتی و تنش در این مناطق بوده است. همچنین، مرزهای ساختگی که استعمارگران اروپایی در دوران استعمار و در راستای اهداف خود بر کشورهای آسیایی و آفریقایی تحمیل کرده‌اند، همواره منشأ درگیری بوده است. عامل مشکل‌ساز دیگر، اقلیم ویژه این مناطق است که اغلب بیابانی و گرمسیری است. مناطق بیابانی و گرمسیری برای تغذیهٔ جمعیت خود به آبیاری نیاز دارند، در حالی که اغلب با کمبود آب مواجه‌اند. همچنین ساکنان این مناطق برای امرار معاش خود، چاره‌ای جز قطع درختان و استفاده مستقیم از طبیعت ندارند و این مسئله در بلندمدت موجب ایجاد معضله‌های بزرگ‌تر و پایدارتری مانند بیابان‌زایی می‌شود که در تسریع روند تغییرات آب‌وهوایی نقش مهمی را ایفا می‌کند [۱۶].

تهدید امنیت آب و غذا

تغییرات اقلیمی و تنوع آن از جمله مواردی هستند که می‌توانند در ماهیت و وقوع خطرات امنیت غذایی و آب تأثیرگذار باشند. در توضیح تأثیر تغییرات آب‌وهوایی بر امنیت بر غذا باید گفت که خطرات ناشی از تغییرات اقلیمی می‌تواند در مراحل مختلف زنجیره غذایی از تولید اولیه تا مصرف تأثیر خود را نشان دهد، به طوری که تغییرات آب‌وهوایی می‌تواند تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم روی آن‌ها داشته باشد. تغییرات آب‌وهوایی به شیوه‌های مختلف روی امنیت غذایی تأثیرگذار هستند. این اثرگذاری ممکن است از طریق تغییر دما، الگوهای بارشی، گرم شدن اقیانوس‌ها و اسیدی شدن آن‌ها و یا حتی تغییر مسیر در الگوهای بادی که می‌تواند مسیر حمل‌ونقل آلاینده‌ها را تغییر دهد، خود را نشان دهد. افزایش دما و تغییر در الگوهای بارشی تأثیر مستقیمی روی فعالیت‌های باکتری‌ها، ویروس‌ها، انگل‌ها، قارچ‌ها و غیره را دارد که این امر به دنبال خود بیماری‌های مخصوص به خود را به جامعه تزریق خواهند کرد. چنین تغییراتی همچنین می‌تواند روی رشد و اکولوژی میکروبی و فیزیولوژی حیوانات و گیاهان تأثیر گذارد [۱۷]. از طرفی، تغییرات آب‌وهوایی بر منابع و محصولات غذایی، تأثیرات سوئی بر جای خواهد گذاشت. مثلاً تحلیل و مرگ‌ومیر ماهیان و دیگر آبیان به دلیل شوری و آلوده شدن آب‌ها و یا حوادثی همچون آب لرزه (سونامی)، کاهش چشمگیر غلات و سبزیجات و نیز خسارت‌ها در بخش دامداری و صنایع گوشتی به دلایل نوسان‌های بارندگی، بیابان‌زایی، آتش‌سوزی می‌تواند امنیت جهانی غذا را با بحران مواجه سازد. این وضعیت نیز هنگامی که با رشد جمعیت و افزایش تقاضا برای غذا همراه شود، وضعیت را بحرانی‌تر خواهد کرد [۱۸].

از طرفی، تغییرات آب‌وهوایی اثرات خود را روی کمبود منابع آب شیرین و در نتیجه، امنیت بر آب به جای می‌گذارد. در توضیح این موضوع باید گفت که گرم شدن زمین مقدار بارش برفی در زمستان را کاهش خواهد داد و در نتیجه، الگوی جریان فصلی رودخانه‌ها بر اثر کاهش جریان آب بهاره حاصل از ذوب برف تغییر خواهد کرد. اختلال در نوسان‌های بارندگی موجب وقوع خشکسالی و یا سیلاب‌ها شده که دسترسی به آب شیرین را با مشکلاتی مواجه می‌سازد. همچنین افزایش دمای هوا موجب ایجاد بخار آب از سطح زمین می‌شود، بنابراین، این زمین‌ها به آبیاری بیشتری نیاز پیدا می‌کنند؛ علاوه بر این، افزایش سطح آب دریاها و اقیانوس‌ها و ورود آن‌ها به منابع آب قابل شرب، موجب تغییر در کیفیت این آب‌ها می‌شود [۱۹]. آمارها درباره ذخایر آب و تقاضا برای آن تکان‌دهنده است. حدود ۴۵ میلیون نفر در ۲۹ کشور جهان با کمبود آب مواجه‌اند و دوسوم جمعیت دنیا تا سال ۲۰۵۰ زیر فشارهای ناشی از کمبود آب خواهند بود. آبخیزهایی که یک سوم جمعیت جهان را تأمین می‌کنند، بسیار زودتر از آن که طبیعت آن‌ها را پر کند، در حال تمام شدن هستند؛ آب نیمی از رودخانه‌ها و دریاها در دنیا غیرقابل شرب است و به دلیل پسروری آب، رودخانه‌های بزرگی مانند یلو، گنگ و کلرادو برای سال‌های زیادی امکان ورود به دریا ندارند. پیش‌بینی می‌شود پرجمعیت‌ترین مناطق دنیا شامل مدیترانه، خاورمیانه، هند، چین و پاکستان، در دهه‌های آتی با کمبود شدید آب مواجه شوند [۱۸].

تأثیر بر گسترش فقر

امروزه تغییرات آب‌وهوایی بر گسترش فقر خانوارها دخیل است. به طور مثال با کاهش تولیدات کشاورزی، محصولات با افزایش و شوک قیمت‌ها مواجه شده و منجر به کاهش توان خرید خانوارها و به همان نسبت گسترش فقر می‌شود. همان‌طور که پس از بروز خشکسالی در روسیه در سال ۲۰۱۰ شاهد بودیم. از طرفی وقوع بلایای طبیعی دارای‌های افراد فقیر را از بین می‌برد و سلامت و آموزش آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرفی، شوک‌های سلامتی مانند مرگ و بیماری به‌شدت تحت تأثیر شرایط آب‌وهوایی و محیطی قرار دارد مانند بارندگی‌های زیاد، شیوع بیماری‌های مالاریا، دمای بالا و ابتلا به اسهال مکرر و ... [۲۰]. البته در بعضی از مناطق، بارندگی کم بر اثر تغییرات آب‌وهوایی تأثیرات بسیار بدی از خود به جای می‌گذارد. به طور مثال، وضعیت دارفور در سودان نمونه انکارناپذیر از تنازع بقا و فقر توان‌فرسایی است که به دلیل خشکسالی فاجعه‌آمیز دهه ۱۹۸۰ آغاز شده و تا امروز ادامه یافته است. به نظر می‌رسد تغییرات بلندمدت اقلیم نه تنها به ریزش باران کمتر در سودان بلکه در بخش اعظم آفریقا به‌ویژه در جنوب ناحیه صحرای آفریقا منجر شده است، جایی که زندگی به باران بستگی دارد و خشکسالی به معنای مرگ است. یا توفان میچ که یکی از توفان‌های قوی تاریخ اقیانوس اطلس است، در سال ۱۹۹۸ روی داد. سرعت این توفان ۳۶۰ کیلومتر در ساعت بود و باعث شد که طی دو تا سه روز، در نیکاراگوئه و هندوراس دو متر باران ببارد. بر اثر

آن غیر از خانه، مدرسه، کارخانه، جاده، پل و غیره، ۷۰ درصد خاک حاصل‌خیز هندوراس از بین رفت و منجر به گسترش فقر در این نواحی شد [۱۳].

تأثیر بر مهاجرت‌های درون‌مرزی و برون‌مرزی

تغییر مکان، پاسخ طبیعی انسان به تغییرات محیطی و اقلیمی است، این واکنش، نوعی سازگاری با شرایط ایجاد شده است. این به معنای دفع خطر و افزایش تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری انسان با این تغییرات، به‌خصوص زمانی که برنامه‌ریزی شده است باشد [۲۱]. در این میان، تغییرات آب‌وهوایی و تخریب محیط زیست تأثیر قابل توجهی در جابه‌جایی مردم سراسر جهان داشته است. واکنش افراد در پاسخ به تغییرات اقلیم متفاوت است و مهم‌ترین واکنش افراد به زوال زیست‌محیطی و دفع خطر جابه‌جایی است که مهاجرت‌هایی که بر اثر تغییرات اقلیمی و پیامدهای آن شکل می‌گیرد، باعث شکل‌گیری مفهوم جدیدی به نام پناهندگان اقلیمی شده است [۲۲]. ایده پناهنده اقلیمی یا پناهندگان تغییر اقلیم نسبتاً جدید است. به‌رغم مهاجرت‌های بین‌المللی که تحت تأثیر عوامل محیطی در تاریخ زندگی بشر انجام شده، اولین مباحث معنادار و قابل توجه در ارتباط با پناهندگان تغییر اقلیم از سال ۱۹۹۰ آغاز شده و این مباحث بیشتر توسط دانشمندان اقلیم‌شناسی و پژوهشگران مرتبط با تغییرات اقلیمی مطرح شده است [۲۳]. یکی از مهم‌ترین و ابتدایی‌ترین مطالعات، بررسی جابه‌جایی جمعیت و مهاجرت در جزایر تیوالو یا کیریباتی^۱ است که به علت تغییرات آب‌وهوایی انجام گرفته است [۲۴].

تهدید سلامت بشر و گسترش بیماری‌های واگیردار و خطرناک

تغییرات آب‌وهوایی با عواقبی مانند بلایای طبیعی و نیز طولانی شدن دوره‌های خشکسالی موجب کم شدن مواد غذایی، سوء تغذیه و درنهایت، ضعف سیستم ایمنی بدن و کاهش مصونیت در برابر بیماری‌ها می‌شوند. همچنین شیوع بسیاری از بیماری‌های مسری، گاهی با مسئله آب‌وهوا و به‌ویژه نوسان‌های بارندگی مرتبط است که این امر تهدیدی علیه صلح و امنیت بشری به شمار می‌رود. بیماری‌هایی مانند وبا، طاعون، سل، آنفلوآنزای مرغی و خوک از آسیب‌هایی هستند که مرزهای ملی را در دنیای جهانی شده امروز به رسمیت نمی‌شناسند و این معضل نیز بیش از همه، مناطق فقیر را درگیر می‌کند. به اعتقاد آنان، مکان این بیماری و شدت شیوع آن، اغلب از سوی شرایط آب‌وهوایی و اکولوژیکی تعیین می‌شود نه فقر [۲۵].

به طور کلی، افزایش سوءتغذیه و بیماری‌های مربوط به آن به‌ویژه در کودکان، مرگ‌ومیر، بیماری و معلولیت به دلیل امواج سونامی، توفان، سیلاب، آتش‌سوزی و خشکسالی، گسترش بیماری‌های اسهالی، افزایش بیماری‌های قلبی تنفسی به دلیل غلظت بالای آزن سطح زمین و پخش شدن ناقل‌ها و ویروس بیماری‌های عفونی از راه هوا، از مهم‌ترین آثار تغییرات آب‌وهوایی بر وضعیت بهداشتی سلامتی بشر هستند [۲۶].

عملکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص تغییرات آب‌وهوایی

مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ در راستای ترویج همکاری بین‌المللی در امور سیاسی و ایجاد زمینه‌های مناسب برای توسعه مترقیانه حقوق بین‌الملل و تدوین آن، قطعنامه تشکیل کمیسیون دائم حقوق‌دانان را به نام کمیسیون حقوق بین‌الملل^۲ صادر کرد. این کمیسیون یکی از نهادهایی است که تأملاتی در زمینه حقوق بین‌الملل محیط زیست داشته است، به طوری که این کمیسیون در سال ۱۹۵۸ اولین گزارش خود را در خصوص کنوانسیون ناظر به ماهیگیری و صید منابع زنده دریای آزاد ارائه داده است و آخرین گزارش خود در سال ۲۰۱۳ در خصوص حفاظت از اتمسفر و حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه تهیه کرده است. به طور کلی، براساس بند اول ماده اول اساسنامه کمیسیون حقوق بین‌الملل این کمیسیون با هدف توسعه تدریجی تدوین حقوق بین‌الملل به‌وجود آمده است. ماده ۱۵ اساسنامه این دو مسئله یعنی توسعه تدریجی و تدوین را این‌گونه از یکدیگر تفکیک می‌کند. مراد از توسعه تدریجی تکوین متونی در زمینه‌هایی است که حقوق بین‌الملل به آن‌ها

1. Tuvalu or Kiribati

2. International Law Commission (ILC)

نپرداخته است یا عملکرد دولت‌ها در آن‌ها هنوز در حد مطلوبی توسعه نیافته است و منظور از تدوین یعنی تبیین دقیق و علمی قواعدی که در عرف رویه کشورهای و دکترین موجود است و تبدیل آن به قواعد قراردادی.

این نهاد اقداماتی را در جهت تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست انجام داده است، به طوری که در خصوص توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست به عنوان شاخه‌ای جداگانه از حقوق بین‌الملل در اولین مرحله اقداماتی درباره حقوق دریاها صورت گرفت ولی شروع آن به طور شفاف و صریح در خصوص محیط زیست نبود، بلکه حفاظت از محیط زیست به عنوان یکی از دستورات مهم کار کمیسیون به طور واضح و روشن بعد از تدوین کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ بود. در این راستا کمیسیون حقوق بین‌الملل با پرداختن به موضوعاتی که منجر به آسیب‌های زیست‌محیطی است تلاش‌هایی داشته است، از جمله: استفاده غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی، پیشگیری و مسئولیت بین‌المللی آسیب‌های فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک و منع نشده، ارائه و مدیریت عقلانی منابع طبیعی، حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه. اما سؤالی که در اینجا ممکن است به ذهن خطور کند این است که با توجه به اهمیت موضوع و مسئله تغییرات آب‌وهوایی، آیا کمیسیون حقوق بین‌الملل در این خصوص اقدام خاصی انجام داده است؟ در پاسخ به این سؤال باید بیان کنیم که اولین بار این نهاد در هفتادمین جلسه خود در سال ۲۰۱۸ پیش‌نویس دستورالعملی^۱ را در خصوص موضوع حفاظت از اتمسفر به تصویب رساند. درحقیقت، اهمیت این طرح به کاستی‌های مذاکرات بین‌المللی، به‌ویژه در مورد تغییرات آب‌وهوایی مربوط می‌شود و نشان می‌دهد به‌رغم اجماع جهانی علمی و سیاسی در مورد تأثیر انتشار گازهای گلخانه‌ای انسانی به عنوان یکی از چالش‌های بزرگ زمان ما و به‌رغم سه دهه مذاکرات فشرده که منجر به تصویب سه معاهده اصلی شده است، تلاش‌های وعده‌داده شده یا اجرا شده برای حفظ گرمایش جهانی در سطحی که تا حد زیادی به عنوان سطح قابل قبولی از خطر تلقی می‌شود، کافی نبوده است. به طور مثال اصلحیه دوحه در پروتکل کیوتو، که در ۸ دسامبر ۲۰۱۲ که برای تعیین محدوده تعهدات برای کاهش انتشار در برخی از کشورهای توسعه‌یافته از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ تصویب شد، هنوز لازم‌الاجرا نشده است. یا ایالات متحده آمریکا که نه تنها پروتکل کیوتو را تصویب نکرده است، بلکه در سال ۲۰۱۷، بعد از ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ به طور رسمی از توافقنامه پاریس خارج شد و همچنین همکاری‌های معین ملی که دولت‌ها تا به امروز تحت توافقنامه پاریس اعلام کرده‌اند، با اهداف تعیین شده توسط این توافقنامه در راستای کاهش انتشار که گرمایش جهانی را کمتر از ۲ درجه سانتی‌گراد و یا احتمالاً ۱/۵ درجه سانتی‌گراد حفظ می‌کند، سازگاری ندارد.

لذا براساس ارزیابی خود دولت‌ها، مذاکرات بین‌المللی در این خصوص کمتر از انتظارات است. لذا همان‌طور که مشاهده می‌شود اقدام کمیسیون حقوق بین‌الملل در این خصوص ضروری به نظر می‌رسد. در همین راستا، موضوع طرح حفاظت از اتمسفر شامل تغییرات آب‌وهوایی و همچنین سایر تأثیرات جهانی و فرامرزی بر جو مانند تخریب لایه ازن و آلودگی هوای فرامرزی است. این چارچوب مفهومی گسترده، لقاح متقابل بین هنجارهای نسبتاً تثبیت شده در مورد پیشگیری از آسیب زیست‌محیطی فرامرزی و مواردی که کمتر درک شده‌اند و برای محیط زیست جهانی قابل اجرا هستند، را مورد حمایت قرار می‌دهد. به طور کلی، طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در رابطه با حفاظت از اتمسفر براساس پنج گزارش ارائه شده توسط گزارشگر ویژه آقای موراس^۲ از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ تهیه شد. گزارش اول مشتمل بر یک رویکرد محتاطانه براساس تمایز بین قانون به عنوان آنچه که هست^۳ و قانون به عنوان آنچه که باید باشد^۴ بود. به طور کلی، گزارش پیشنهاد می‌کند که حفاظت از اتمسفر را می‌توان به عنوان دغدغه مشترک بشریت توصیف کرد که می‌تواند مشمول تعهدات عام الشمول^۵ (تعهداتی که به عهده جامعه بین‌المللی به عنوان یک کل است) باشد. البته این مفاهیم مورد انتقاد اعضای کمیسیون و کمیته ششم قرار گرفت. گزارش دوم، تعهد دولت‌ها به حفاظت از اتمسفر را مورد بحث قرار می‌دهد که به قاعده استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین^۶ استفاده از سرزمین خود تا جایی که به دیگران آسیبی وارد نشود که نتیجه اصل حاکمیت سرزمینی و برابری دولت‌ها است، مربوط می‌شود.

1. The Draft Guidelines (DGs)

2. Murase

3. Lex lata (law as it is)

4. Lex ferenda (law as it ought to be)

5. Erga omnes obligations

6. The sic utere tuo ut alienum non laedas principle (use your own property so as not to injure that of another)

موراس، همچنین در این گزارش با اشاره به منشور سازمان ملل متحد و به عملکرد دولت‌ها در رسیدگی به نگرانی‌های زیست‌محیطی فرامرزی و جهانی، تعهد دولت‌ها به همکاری با حسن نیت را مشخص کرد. البته، با توجه به انتقادهای مجدد سایر اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل، موراس با حذف اشاره به دغدغه مشترک بشریت با همراهی سایر اعضا، بخشی از مقدمه طرح را به تصویب رساندند و با رسمیت شناختن تعهد دولت‌ها به همکاری، بحث در مورد تعهد دولت‌ها به حفاظت از اتمسفر را به سال بعد موکول کردند. گزارش سوم موراس، الزام دولت‌ها برای تلاش مقتضی برای حفاظت از اتمسفر و اطمینان از انجام ارزیابی‌های تأثیرات زیست‌محیطی برای پروژه‌های حساس را مشخص کرد. همچنین اصل استفاده پایدار و عادلانه از اتمسفر را مورد تأکید قرار داد. در نهایت، محدودیت‌های قانونی مربوط به فعالیت‌هایی با هدف اصلاح عمدی اتمسفر، مانند مدیریت اراضی را بررسی کرد. در نهایت اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل با اصلاحاتی این پیشنهادها را پذیرفتند و اصل پیشگیری را به عنوان تضمین تعهد «جلوگیری، کاهش یا کنترل آلودگی جو و تخریب اتمسفر» تشخیص دادند.

گزارش چهارم موراس روابط بین حقوق بین‌الملل در مورد حفاظت از اتمسفر و سایر زمینه‌های حقوق بین‌الملل، یعنی حقوق بین‌الملل تجارت و سرمایه‌گذاری، حقوق دریاها و حقوق بین‌الملل حقوق بشر را مورد بحث قرار داد. به‌ویژه، موراس بر نیاز به یافتن حمایت متقابل در میان این حوزه‌های حقوقی تأکید کرد. این گزارش توجه کمی را در میان اعضای کمیسیون به خود جلب کرد، چرا که اعتقاد داشتند مسائل حمایت متقابل و روابط متقابل به همان اندازه برای هر موضوعی که به دنبال پرداختن به قوانین هنجاری یا اولیه است مرتبط است. نتیجه این گزارش خیلی موفقیت‌آمیز نبود، چرا که اکثر اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل تردید داشتند که حمایت متقابل در ارتباط بین قوانین مربوطه یک اصل قانونی است. آخرین گزارش در مورد مسائل مربوط به اجرا، انطباق و حل و فصل اختلافات بحث می‌کرد و نیمی از گزارش بر بررسی شواهد علمی توسط دادگاه‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی تمرکز داشت. در نهایت، پس از اصلاحات متعدد و بازنگری قابل توجه توسط کمیته تهیه پیش‌نویس، سه پیش‌نویس دستورالعمل در زمینه اجرا، انطباق و حل و فصل اختلافات به تصویب رسید و برای اظهار نظر و مشاهده به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی ارسال شد. در این بخش از نوشتار سعی می‌شود خلاصه‌ای از این طرح مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد.

حقوق و تعهدات دولت‌ها در ارتباط با حفاظت از اتمسفر

این بخش جنبه‌های خاص‌تر پیش‌نویس دستورالعمل را بررسی می‌کند. یعنی دو تعهد کلیدی به رسمیت شناخته‌شده توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل که عبارت است از: تعهد به حفاظت از اتمسفر و تعهد به همکاری را مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

تعهد به حفاظت از اتمسفر

پیش‌نویس دستورالعمل تعهد دولت‌ها را به حفاظت از اتمسفر با احتیاط لازم در انجام اقدامات مقتضی، مطابق با قواعد قابل اجرا حقوق بین‌الملل، برای جلوگیری، کاهش یا کنترل آلودگی اتمسفر و تخریب اتمسفر به رسمیت می‌شناسد. این در حالی است که تعهد به جلوگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی فرامرزی در اعلامیه‌های برجسته بین‌المللی مورد تأکید واقع شده است و آرای قضایی آن را به عنوان حقوق بین‌الملل عرفی می‌شناسند. حتی برخی از اندیشمندان بزرگ حقوق بین‌الملل این تعهد را به عنوان سنگ بنای حقوق بین‌الملل محیط زیست توصیف می‌کنند [۲۷]. با این حال، برخی از اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل کاربرد این تعهد را برای آسیب‌های زیست‌محیطی جهانی مانند تخریب اتمسفر زیر سؤال بردند. نگرانی اصلی آن‌ها در مورد اعمال تعهد حفاظت از اتمسفر در برابر تخریب جوی مربوط به پیامدهای احتمالی شناسایی این تعهد بود. به طور مثال، پارول اشتورما^۱ در مورد پیامدهای شناسایی تعهد به حفاظت از اتمسفر در رابطه با تخریب اتمسفر هشدار داد، در حالی که شان مورفی^۲ تأکید کرد که به رسمیت شناختن این تعهد در قبال تخریب اتمسفر ممکن است دادخواهی علیه کشورهای توسعه‌یافته را تسهیل کند. این موضوع یکی از نمونه‌های تأسفبار در بررسی‌های کمیسیون در رابطه با موضوع حفاظت از اتمسفر بود. در حالی که به نظر می‌رسد کمیسیون می‌توانست در تعیین وجود تعهد برای جلوگیری از تخریب اتمسفر، که بی‌شک مهم‌ترین جنبه کل دستورالعمل

1. Parvel Šturma
2. Sean Murphy

است، بسیار فراتر برود. برای مثال، می‌توانست از عناصر تشکیل‌دهنده یک قاعده عرفی، که برخاسته از یک باور حقوقی و رویه دولتی است استفاده کند که هر دو ویژگی به طور قابل توجهی در مشارکت‌های جهانی یا شبه‌جهانی دولت‌ها در معاهدات متعددی که در آن‌ها تلاش‌های بسیاری برای رسیدگی به نگرانی‌های اصلی زیست‌محیطی جهانی به عهده گرفته‌اند، وجود دارد. از طرفی، تعهد حفاظت از اتمسفر از اصل حاکمیت سرزمینی و برابری دولت‌ها سرچشمه می‌گیرد که تأکید اصلی این تعهدات این است که دولت‌ها ملزم شوند از ایراد آسیب قابل توجه بر قلمروی سرزمینی و جمعیت سایر دولت‌ها منع شوند. لذا از آنجا که تخریب اتمسفر و به دنبال آن ایجاد تغییرات آب‌وهوایی، همه دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و حتی موجودیت برخی از آن‌ها را تهدید می‌کند، نشان می‌دهد که الزام به جلوگیری از تخریب اتمسفر نتیجه نظم حقوقی بین‌المللی است.

به طور کلی از دیدگاه پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل، ماهیت تعهد حفاظت از اتمسفر یا به طور کلی ممنوعیت آسیب‌های زیست‌محیطی جهانی و فرامرزی تعهد از نوع اقدام مقتضی است، یعنی یک نوع تعهد رفتاری؛ به این ترتیب، وقوع آلودگی یا تخریب اتمسفر لزوماً منعکس‌کننده نقض تعهد نیست، آسیب زیست‌محیطی ممکن است به‌رغم تلاش‌های لازم برای جلوگیری از وقوع آن رخ دهد. اما سؤالی که در اینجا به ذهن خطور می‌کند این است که یک دولت چه میزان باید برای حفاظت از اتمسفر تلاش کند؟ پاسخ دستورالعمل به این سؤال، الزام دولت‌ها به همه اقدامات مناسب گسترش می‌یابد، اما با دقت در تفسیر قضات دیوان دادگستری بین‌المللی در قضیه پاپ میلز، نشان می‌دهد این تعهد نه تنها شامل اتخاذ قوانین و اقدامات مناسب، بلکه همچنین سطح خاصی از مراقبت در اجرای آن‌ها و اعمال کنترل اداری قابل اعمال برای اپراتورهای دولتی و خصوصی است.

در همین راستا، تعهدی که در پیش‌نویس دستورالعمل در راستای اقدام مقتضی مورد شناسایی قرار گرفت؛ تعهد دولت‌ها به ارزیابی اثرات زیست‌محیطی در اقداماتی بود که ممکن است بر اتمسفر تأثیر بگذارد. البته این موضوع یکی از قواعد عرفی بین‌المللی بود که قبلاً در اعلامیه محیط زیست و توسعه ۱۹۹۲ ریو و همچنین در دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده پاپ میلز در سال ۲۰۱۰ مورد شناسایی قرار گرفته بود. با وام گرفتن از بیان اعلامیه ریو، کمیسیون حقوق بین‌الملل پیشنهاد کرد برای فعالیت‌هایی که احتمالاً تأثیر نامطلوب قابل توجهی در اتمسفر ایجاد می‌کنند ارزیابی اثرات زیست‌محیطی لازم است. البته این عبارت‌بندی از دو منظر مشکل‌ساز است: نخست، همیشه نمی‌توان احتمال یا اهمیت تأثیر را قبل از ارزیابی اثرات زیست‌محیطی تعیین کرد، چرا که تعیین این موضوع یکی از اهداف انجام ارزیابی اثرات زیست‌محیطی است. دوم، اگر ماهیت تأثیرات فاجعه‌بار و غیرقابل بازگشت باشد، حتی اگر بسیار بعید به نظر آیند، باید نگران‌کننده باشد و در نتیجه باید موضوع ارزیابی اثرات زیست‌محیطی قرار بگیرد. در حالی که از دیدگاه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه پاپ میلز، ارزیابی اثرات زیست‌محیطی باید در هر زمانی که خطر وجود تأثیر نامطلوب قابل توجهی هست، صورت بگیرد نه در مواردی که احتمال وجود خطر وجود دارد. لذا به نظر می‌رسد کمیسیون حقوق بین‌الملل باید عبارت‌بندی که در دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت به این تعهد استفاده کرده است به جای عبارت‌بندی مرقوم در اعلامیه ریو استفاده می‌کرد.

تعهد به همکاری

برای مؤثر شدن تلاش دولت‌ها در جهت حفاظت از اتمسفر، اغلب باید با همکاری سایر دولت‌ها همراه باشد. به همین ترتیب، پیش‌نویس دستورالعمل در راستای حفاظت از اتمسفر مؤلفه کلیدی دیگری را مورد شناسایی قرار داد و آن تعهد دولت‌ها به همکاری بود که در صورت لزوم، باید با یکدیگر و با سازمان‌های بین‌المللی مربوطه برای حفاظت از اتمسفر در برابر آلودگی‌های جوی و تخریب آن مبادرت ورزند. این تعهد مورد پذیرش اکثر اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل حتی آن‌هایی که کمترین علاقه را به پیش‌نویس داشتند قرار گرفت که شاید بتوان علت آن را زبان مبهم و فاقد مخاطب خاص این تعهد بیان کرد. به بیان دیگر، همان‌طور که در تفسیر دستورالعمل بیان شده بود، در صورت اقتضا نشان‌دهنده انطاف خاص برای دولت‌ها در اجرای تعهد به همکاری بسته به ماهیت و موضوع مورد نیاز برای همکاری است که به خلاف تأکید دولت‌ها، متأسفانه فوریت همکاری در برابر تغییرات آب‌وهوایی را نشان نمی‌دهد.

در پاراگراف دوم پیش‌نویس، کمیسیون به دولت‌ها توصیه می‌کند که در افزایش دانش علمی مربوط به حفاظت از اتمسفر از

راه‌های مختلف مانند تبادل اطلاعات و نظارت مشترک همکاری کنند. هرچند این جنبه از همکاری در معاهدات زیست‌محیطی مرتبط و همچنین رویه دولتی مورد حمایت قرار گرفته است. هیئت بین دولتی تغییرات اقلیمی نمونه بارز همکاری بین‌المللی در زمینه افزایش و انتشار دانش در مورد تغییرات آب‌وهوایی است. با این حال، توصیف آن به عنوان یک توصیف صرف باید توصیفی واپس‌گرایانه است. به بیان دیگر، با مطالعه مفاد معاهدات زیست‌محیطی، همکاری در افزایش دانش علمی به عنوان یک تعهد الزامی است که حتماً باید رخ دهد. در حقیقت مقررات با فعل کمی باید در این زمینه معمولاً به حمایت از ظرفیت‌سازی در بخش علمی مربوط می‌شود، نه به تلاش‌ها در جهت افزایش و اشتراک دانش علمی. علاوه بر اقدامات برای افزایش دانش علمی، پیش‌نویس دستورالعمل هیچ نشانه دیگری در مورد محتوای تعهد دولت‌ها به همکاری ارائه نمی‌دهد. این امر با توجه به اهمیت موضوع در زمانی که برخی از کشورها تمایلی به شرکت در مذاکرات چندجانبه ندارند، یا در صورت مشارکت، تمایلی به انجام تلاش‌های کافی ندارند، مایه تأسف است.

ارزیابی عملکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص تغییرات آب‌وهوایی

به طور کلی، موضوع حفاظت از اتمسفر که دربردارنده نگرانی اصلی در رابطه با مسئله تغییرات آب‌وهوایی است، چالش‌های مهمی را برای کمیسیون حقوق بین‌الملل ایجاد کرده است، چرا که این موضوع منجر به آسیب‌های زیست‌محیطی جهانی می‌شود که آنچه که باید در تصمیمات قضایی مورد توجه قرار نگرفته است. لذا برای انجام تحلیل معتبر از این موضوع، کمیسیون باید به دنبال تفسیر قانون به عنوان یک نظام هنجاری منسجم، مستقل از هر گونه بحث سیاسی و به دور از هرگونه منافع ملی باشد. از منظر بررسی عملکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل به عنوان مرجعی که وظیفه توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و تدوین آن را به عهده دارد و اقدامات وسیعی در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل انجام داده است به نظر می‌رسد با توجه به ضرورت بحث تغییرات آب‌وهوایی و اثرات جبران‌ناپذیر آن بر محیط زیست از یک طرف و انسان‌ها و جانوران و گونه‌های گیاهی از طرف دیگر، اقدامی که در این زمینه انجام داده است بسیار ناکافی است، چرا که همان‌طور که از نتیجه و برآیند گزارش‌های تهیه‌شده در خصوص طرح حفاظت از اتمسفر مشاهده شد، نتایج آن تا کنون مؤثر نبوده و درحقیقت خلاصه‌ای از آنچه تا کنون وجود داشته را مورد تأکید مجدد قرار داده است. به عنوان مثال تعهد دولت‌ها به همکاری در صورت لزوم، انجام اقدامات مقتضی در راستای حفاظت از اتمسفر و... از طرفی اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل نسبت به رسمیت شناختن آنچه دولت‌ها و دادگاه‌ها عمدتاً روی آن توافق کرده بودند، بی‌میلی فوق‌العاده نشان دادند، مانند توصیف تخریب اتمسفر به عنوان نگرانی مشترک بشریت و توصیف تعهد به حفاظت از مناطق خارج از صلاحیت ملی در برابر آسیب‌های زیست‌محیطی به عنوان یک تعهد عام الشمول [۲۸].

لذا با توجه به اینکه موضوعات مرتبط با تغییرات آب‌وهوایی در سراسر جهان رو به افزایش است، به نظر می‌رسد رهنمود در مورد قواعد قابل اجرا در حقوق بین‌الملل عمومی ضروری باشد. در این راستا، کمیسیون حقوق بین‌الملل باید بر اساس تخصص و استقلال خود، در ایجاد تفسیر دقیق و معتبر از تعهدات دولت‌ها تحت قوانین بین‌المللی عمومی در رابطه، به‌ویژه در رابطه با بحران تمدن بزرگی که تغییرات آب‌وهوایی نشان می‌دهد، مبادرت ورزد که اقداماتی که تا کنون انجام داده، بسیار ناچیز و کم بوده است. به طور مثال، درخصوص عدم اجرای این تعهدات کمیسیون قائل به توصیف دقیقی نیست. به بیان دیگر، در خصوص این سؤال که در صورت عدم انجام تعهدات موجود در این دستورالعمل، آیا سایر دولت‌ها حق دادخواهی دارند یا خیر؟ کمیسیون در اولین گزارش موراس با معرفی مفهوم نگرانی مشترک بشریت اشاره کرد که اجرای این تعهد بی‌شک منجر به ایجاد تعهدات اساسی قانونی از سوی همه دولت‌ها برای حفاظت از اتمسفر به عنوان یک تعهد عام‌الشمول خواهد شد. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی بارسلونا تراکشن بین تعهداتی که یک دولت در قبال جامعه بین‌المللی به عنوان یک کل به عهده دارد با تعهداتی که در مقابل یک دولت دیگر دارد، تمایز قائل شده است. دیوان در این رأی تصدیق کرد که تعهدات عام‌الشمول به طور مثال با موضوعاتی مانند ممنوعیت تجاوز و نسل‌کشی و همچنین حمایت از حقوق اساسی مرتبط است که نتیجه این وجه تمایز در این است که در تعهدات نوع اول، فقط دولتی که تعهد در قبال او وجود دارد می‌تواند به آن استناد کند، اما در تعهدات عام‌الشمول هر دولتی که از آن منفعت دارد می‌تواند به مسئولیت دولت ناقض این‌گونه تعهدات استناد کند.

اما به خلاف پیشنهاد موراس، سایر اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل بیان کردند که هیچ مبنای قانونی برای به رسمیت شناختن یک تعهد عام الشمول در رابطه با حفاظت از جو وجود ندارد و در این راستا بر فقدان رویه قضایی تأکید کردند. که بار دیگر رویکرد بسیار محافظه‌کارانه در عملکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل را در خصوص شناسایی موضوعاتی که قبلاً در دادگاه‌های و محاکم قضایی مورد شناسایی قرار گرفته است را نشان می‌دهد و تنها اقدامی که در این زمینه انجام داد شناسایی تعهد دولت‌ها برای جلوگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی جهانی بود، البته هرچند در نتیجه‌گیری این تعهد نیز به‌خوبی عمل نکرد، به طوری که این تعهد، نوعی تعهد الزام‌آور یک دولت در مقابل یک دولت دیگر نیست. به بیان دیگر، پرهیز از آسیب‌های محیطی جهانی به نفع دولت خاصی نیست و نسبت به جامعه بین‌المللی به عنوان یک کل اعمال می‌شود. پرهیز از آسیب‌های زیست‌محیطی همان‌طور که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن تأکید کرد نگرانی مشترک دولت‌هاست. به همین ترتیب، پیشگیری از آلودگی جوی که بر مناطق خارج از صلاحیت ملی تأثیر می‌گذارد، یک تعهد عام‌الشمول است. به طور کلی، آلودگی محدود به قلمروی دولت دیگر را می‌توان به عنوان تعهدی در قبال دولت متأثر از آن تعبیر کرد، اما اگر آسیب‌های زیست‌محیطی مورد بحث به گونه‌ای باشد که مثلاً بر حقوق اساسی مردم تأثیر بگذارد و یا بر حق تعیین سرنوشت یک دولت تأثیر بگذارد، که حمایت از آن بی‌شک یک تعهد عام‌الشمول است، در این موارد کمیسیون حقوق بین‌الملل باید پرهیز از این آسیب‌ها را هم یک تعهد عام‌الشمول شناسایی می‌کرد که از این کار ممانعت کرده است. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که عملکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص تغییرات آب‌وهوایی در حد یک نهادی که وظیفه تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل را به عهده دارد نبوده و ضعیف عمل کرده است.

نتیجه‌گیری

تغییرات آب‌وهوایی حلقه واسط میان تخریب و آلودگی محیط زیست از یک سو و به خطر افتادن حیات انسان‌ها و کره خاکی از سوی دیگر است؛ به این معنا که این پدیده، از یک طرف، معلول تخریب محیط زیست است و از سوی دیگر عاملی برای تهدید موجودیت انسان است؛ درحقیقت، تغییر آب‌وهوا یک زنجیره به‌هم‌پیوسته است که این زنجیره از فعالیت‌های توسعه‌ای به‌ویژه مصرف سوخت‌های فسیلی آغاز می‌شود و به دنبال خود پیامدهای متعددی را می‌آورد. ایجاد این پدیده به‌خصوص به دلیل انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از استفاده فزاینده از سوخت‌های فسیلی است که به تدریج به گرمایش جهانی منجر می‌شود و پدیده‌های مختلفی از زیر آب رفتن سکونت‌ها، توفان‌ها، سیل‌ها و یا خشکسالی‌ها گرفته و در نهایت منجر به آوارگی و بی‌خانمانی، مهاجرت‌های کلان، بی‌تابیتی، بیکاری، فقر و ناامنی، شیوع امراض واگیر مسری، کاهش منابع آب و غذا و درگیری و نزاع بر سر منابع آب و غذا و مواردی از این قبیل می‌شود. به بیان دیگر، نقشی که این پدیده در بروز چالش‌های زیست‌محیطی زمین بازی می‌کند، چند دهه‌ای است که امنیت پایدار جهانی را به مخاطره افکنده و سازمان‌ها، نهادها و دولت‌ها را چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح جهانی به چالش کشیده است.

از طرفی، حق بر امنیت انسانی به عنوان یکی از حق‌های بنیادی در حقوق بشر، در دستیابی به بسیاری از حقوق دیگر مانند حق بر سلامتی و حق حیات ضروری است، به طوری که امروزه حق دسترسی به امنیت انسانی یکی از حق‌های مهم در میان حقوق بشر به شمار می‌رود که در سال‌های اخیر و در اسناد حقوق بشری به عنوان حق بنیادین بشری مطرح شده است. این حق، به طور مستقیم تحت تأثیر تغییرات آب‌وهوایی قرار می‌گیرد، به طوری که بر اثر تغییر اکوسیستم زمین و الگوهای اقلیمی، حق نسبت به غذا و حق نسبت به آب به عنوان یکی از مؤلفه‌های امنیت انسانی مورد تهدید قرار می‌گیرد. از طرفی، بر اثر توفان‌ها و افزایش سطح دریا، سکونت‌گاه‌های ساحلی تحت تأثیر مستقیم قرار گرفته و منجر به جابه‌جایی و کوچ اجباری در جوامع و بروز اختلاف‌ها و کشمکش بین مردمان بومی و مهاجر شده و امنیت جوامع بشری را به خطر می‌اندازد که این امر به نوبه خود تهدیدی برای محروم کردن مردم بومی از سرزمین‌های سنتی‌شان و منابع امرار معاش آن‌ها است که هر یک از این تأثیرات، بر حق تعیین سرنوشت تأثیرات منفی دارد. با کاهش تولیدات کشاورزی، محصولات با افزایش و شوک قیمت‌ها مواجه شده و منجر به کاهش توان خرید خانوارها و به همان نسبت گسترش فقر می‌شود. لذا به این نتیجه می‌رسیم که در صلح و امنیت واقعی و

پایدار در یک جامعه بشری نتیجه منطقی تعامل و تعادل در تمام ابعاد مختلف زندگی بشری است. ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی اقتصادی و زیست‌محیطی زندگی بشر باید با یکدیگر در تعامل و تعادل باشند تا در آن جامعه توسعه پایدار و در نتیجه، صلح پایدار برقرار شود. امنیت زیست‌محیطی یکی از پایه‌های اصلی صلح و امنیت پایدار است که چنانچه تأمین نشود هرگز نمی‌توان شاهد برقراری یک صلح و امنیت پایدار و واقعی در جهان بود؛ لذا ابعاد مختلف امنیت انسانی تحت تأثیر مستقیم تغییرات آب‌وهوایی هستند و ضرورت قاعده‌مندی رژیم مستقلی برای جلوگیری و مبارزه با این پدیده را ایجاب می‌کند که بی‌شک کمیسیون حقوق بین‌الملل به عنوان نهادی که در سطح بین‌المللی وظیفه تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل را به عهده دارد می‌تواند بسیار مؤثر باشد؛ به طور کلی این نهاد اقداماتی را در جهت تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست انجام داده است، اما در خصوص تغییرات آب‌وهوایی به نظر می‌رسد با توجه به ضرورت بحث تغییرات آب‌وهوایی و اثرات جبران‌ناپذیر آن بر محیط زیست از یک طرف و انسان‌ها و جانوران و گونه‌های گیاهی از طرف دیگر، اقدامی که در این زمینه انجام داده، بسیار ناکافی است. لذا کمیسیون باید برای انجام تحلیل معتبر از این موضوع، به دنبال تفسیر قانون به عنوان یک نظام هنجاری منسجم، مستقل از هر گونه بحث سیاسی و به دور از هرگونه منافع ملی اقدام مؤثر و عملی را انجام دهد.

منابع

- [1]. Reisman W. M. Sovereignty and human rights in contemporary international law. *American Journal of International Law*. 1990; 84(4): 866-876.
- [2]. Shaheydar A, Amine M. International Environmental Law at the Border of Domestic and International Challenges, *International Conference on New Researches in Agricultural and Environmental Sciences*. 2014; 1-19.
- [3]. Fahimi A. Civil liability caused by environmental destruction in Iranian jurisprudence and law, *Islamic Culture and Science Research Institute, Tehran*. 2012.
- [4]. Babaeian E, Nagafineik Z, Zabolabasi F, Habeibei M, Adab H, & Malbisei S. Climate Change Assessment over Iran During 2010-2039 by Using Statistical Downscaling of ECHO- G Model. *Geography and Development*. 2009; 7(16): 135-152.
- [5]. Navari A. a reflection on the performance of the international community against climate change, *Environmental Research*. 2015; 9(1): 47-58.
- [6]. Fazoni Ardakani Z, Zamani Gh. research needs in climate change studies and its impact on agriculture in developing countries, the first national desert conference, Tehran, *Tehran University International Desert Research Center*. 2013; 1-11.
- [7]. Moghbeli Damaneh M, Sanaeenejad S. H. Overview of climate change, relying on the UN framework convention on climate change conferences and the role of IRAN. *Climate Change and Climate Change*. 2020; 1(2): 1-20.
- [8]. Qasimi M. A. Relationship between Human Security and Sustainable Development. *Strategic Studies Quarterly*. 2008; 11(41): 527-544.
- [9]. Talaat A. International Law and Human Security at the Third Millennium. *Journal of Legal Research*. 2014; 13(26): 129-158.
- [10]. Shaygan F. the concept of human security, *Iranian Association of United Nations Studies*. 2016; 2(7): 1 – 8.
- [11]. McInerney-Lankford S, Darrow M, Rajamani L. Human Rights and Climate Change: A Review of the International Legal Dimensions, *The International Bank for Reconstruction and Development/The World Bank, Washington Congressional Testimony*. 2011.
- [12]. Tayebi S, AzadBakht B. Environmental protection in the light of international humanitarian law (perspective for sustainable development), *Majid Legal Publications, Tehran*. 2014.
- [13]. Khoshmanesh zadeh B, Poorhashemi A, Soltanieh M, Hermidas Bavand D. Analyzing the Impacts of Climate Change on Human Rights. *Journal of Environmental Science and Technology*. 2015; 17(4): 223-234.
- [14]. Barnett J, & Adger W. N. Climate change, human security and violent conflict. *Political geography*. 2007; 26(6): 639-655.
- [15]. Mohammadi Nesab F. Explaining the dimensions of human rights mechanisms' exposure to the adverse effects of climate change, *Master's Thesis in International Law, Supervisor, Soban Tayibi, Islamic Azad University, Damavand Branch, Department of Law*. 2019.
- [16]. Akhavan Kazemi M, & Veici S. Analysis of the Impacts of Climate Change and its Challenges and Opportunities on Regional Crisis. *Human Geography Research*. 2016; 48(1): 69-87.
- [17]. Shiravand H, Hashemi M. Investigating the effects of climate change on sustainable security, *National Conference on Passive Defense and Sustainable Development, Ministry of Interior*. 2015; 691-705.
- [18]. Hanjra M. A, Qureshi M. E. Global water crisis and future food security in an era of climate change. *Food policy*. 2010; 35(5): 365-377.
- [19]. Gleick P. H. Global climatic change and international security. *Colo. J. Int'l Env'tl. L. & Pol'y*. 1990; 1(41): 1 – 20.
- [20]. Hallegatte S, Mook B, Laura B, Marianne F, Tamaro K, Ulf N, Julie R, David T, Adrien V. (Managing the Impacts of Climate Change on Poverty, *International Bank for Reconstruction and Development / The World Bank*. 2016; 1-227.
- [21]. Dhaka. International Organization for Migration (IOM), *Assessing the Evidence: Environment, Climate Change and Migration in Bangladesh*. 2016; 26(1): 25-49.
- [22]. Ebrahimzadeh I, & esmaeil negad M. The Future Challenge of Climatic Refugees Regional Developments Case study: South Khorasan. *Geography and Development*. 2017; 15(48): 1-18.
- [23]. Gervasi M. On the United States' decision to withdraw from and cease implementation of the Paris Agreement on climate change. *Chinese Journal of International Law*. 2019; 18(4): 777-809.
- [24]. Crépeau F, Nakache D, Collyer M, Goetz N. H, & Hansen A. (Eds.). *Forced Migration and Global processes: A view from forced migration studies*. Lexington Books. 2006.
- [25]. Busby J. W, & Busby J. *Climate change and national security: an agenda for action*. Council on Foreign Relations Press. 2007.

- [26]. Wisner B, Fordham M, Kelman I, Johnston B. R, Simon D, Lavell A., Weiner D. Climate change and human security. Peace Research and European Security Studies, International Institute for Strategic Studies. 2007.
- [27]. Sand P. H, Wiener J. B. Towards a new international law of the atmosphere. Goettingen J. Int'l L. 2016; 7(195). un doc
- [28]. Mayer B. A review of the international law commission's guidelines on the protection of the atmosphere. Melb. J. Int'l L. 2019; 20(1): 453. ILC Provisional Summary.